۸۷۸۰ ـ ف

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: جنگ اشعار زبان صفویه با دو صورت (در اول گلرخ)

مؤلف: ابراهیم نصری

موضوع:

ایران ـ سیسی ـ ک شماره قفسه ۹۰۰۴

شماره ثبت کتاب ۷۹۰۹۶

۱۱۷۰۳

۲۷

۹۰۰۳

۱۴۴۷۸

بازدید شد ۱۳۸۲

امکان شد ۱۳۷۱/۸/۱۹

۸۷۸۰ ف

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب جنگ اشعار زمان صفویه با دو صورت (در اول گزارش)

مؤلف (ابراهیم نصری)

موضوع

شماره قفسه ۹۰۰۳ ف

شماره ثبت کتاب ۷۹۰۹۶ / ۱۱۷۰۳

۱۳۰۲۷

۹۰۰۳

۱۴۴۷۸

بازدید شد ۱۳۸۳

اسکن شد ۱۳۸۷/۸/۱۹

کتابخانه
جعفر سلطان القرائی
تحریر ۱۱۶۵ قمری

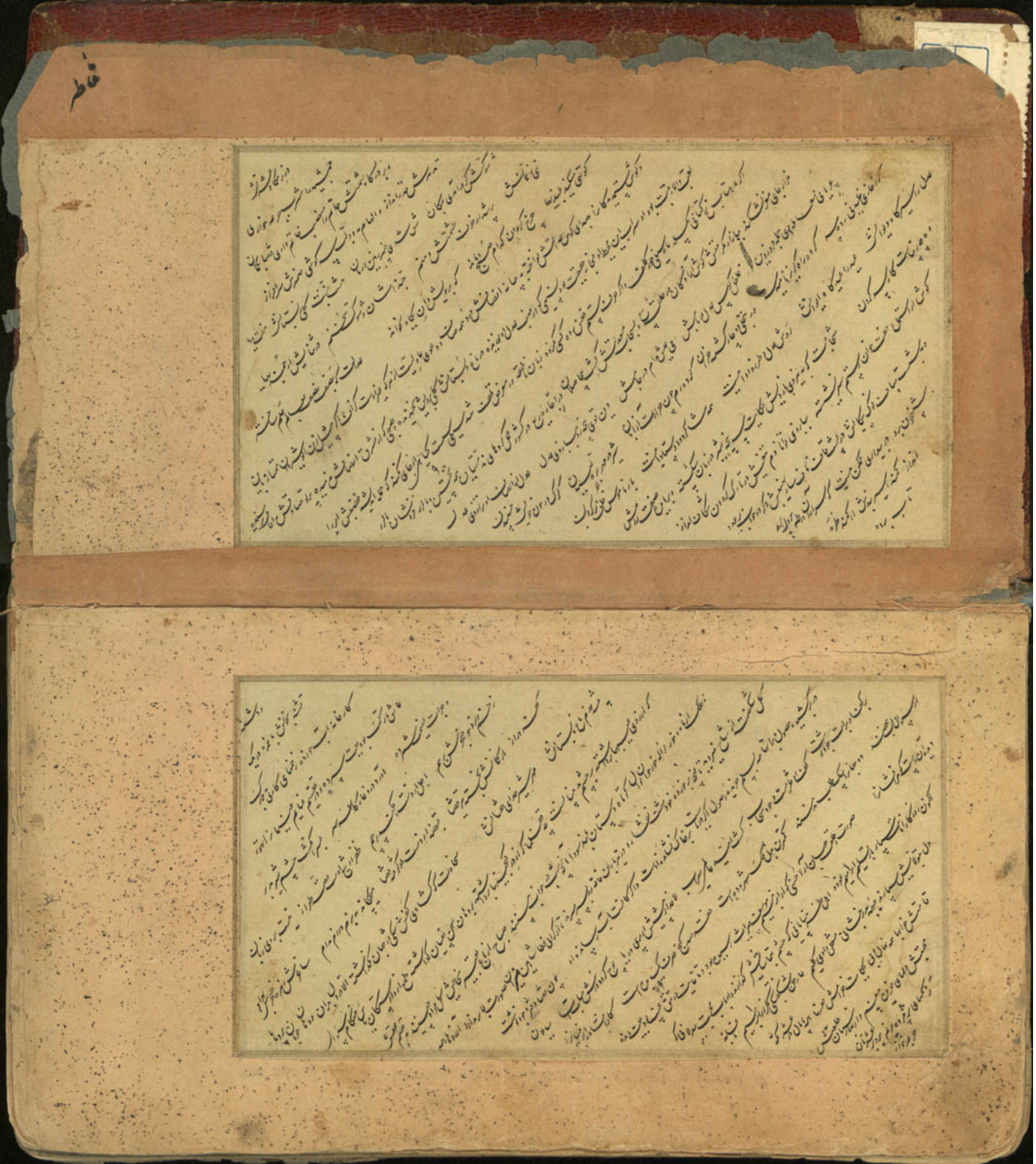

بسم الله الرحمن الرحیم

شنیده‌ام که راویان اخبار و ناقلان آثار و محدثان داستان کهن و خوش‌چینان چمن سخن در جامع الحکایات
چنین آورده‌اند که پادشاهی از پیشینیان که او را بنام شاه محمد شاه‌وری می‌گفتند پسر داشت
حکومت تمام بود و بر زمین هست این پادشاه و او هر چند پادشاهان قدیم آنچه از زر و زیور و لعل و مروارید
و گوهر و نقش همه بدست آورده بود پادشاه شب و روز بعیش و عشرت مشغول و دمی از تنعم
پادشاه خواب کرده بود خواب می‌بیند که دریایی در آمد و بدست او سنگ صد هزار
گل نگین از نظر او در آمده بود در آن دستان عرق و سر و بر سر طرف شاخ بید و گلهای
از گلهای آب روان گلاب بحث و در چهار طرف حوض چهار شیر بقیه کرده‌اند که آب از دهن
یکی می‌آید و از دهن دیگری می‌برآید بدست پادشاه عصایی است که بحکم عالم می‌زند و در
نفس خدای تعالی مرغی خلق کرده و تنش از زر و بر آن از لعل و دو چشم او از یاقوت و دنبال او از زمرد
و بالهای او از مروارید و آنهای او از مروارید و این مرغ را مرغ زرین می‌گفتند اهل دنیا می‌دانند که
و نقش او بدست پادشاه بال غبار می‌کرد و هر گاه که این مرغ زرین خنده می‌کرد طفل
و کبک طفل کبک می‌شد از روی او فرو می‌ریخت و تمام عالم را روی کبک می‌نمود هر گاه که این

مرغ زرین در گریه می‌شد هر آبی که از چشم او می‌ریخت در دریا می‌شد پادشاه این مرغ
عجب شوقی پیدا کرده که یک شب از خواب بیدار شد که این واقعه در خواب بخدمت پادشاه
خانه‌ها عاشق و گرفتار آن مرغ گردیده و دل بدو داده و فغان کردن گرفت پادشاه و قصر از گفتار
دیوانه و از گلخن مست ساز و سیاه خاکستر قرار گرفت و دیوانه شد و خاک بر سر کردن گرفت
چون روز شد هر سه پسر بالای پدر آمدند و در قصه از گفتار پادشاه جمع شدند که پادشاه دیوانه شده در
فنون گلخن مست ساز و سیاه خاکستر نشسته و خاک بر سر می‌کند و هر سه پسر پادشاه امرا و مدد
پادشاه بکار آورده دل امرا و صحبت در آخر پادشاه قبول کرد و بعد هر سه پسر در آن
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از بت چابک شیرین حرکات
جلوه بازی تو نیز آب حیات
وه چه جلوه رم آهوی خشن
موج می شهپر طاووس چمن
دل ز کف داده زلفت شمشاد
بنده قد تو سرو آزاد
وه چه قد همت ارباب کرم
شاخ گل سرو رولف مخمل ارم

اعوذ بالله الذی سکن
له ما فی الطول والارض وهو السمیع
العلیم
ما فی البر والبحر ما فی السموات والارض
عمش نادر دلم ما و آکه صب
سم چون زلف او سودا کرفت
عمش نادر

شریف وش کل پیرهن غنچه دهن شاه سخن اصل
خلقت جرح کهن عشق در لوح دل فرود

اعوذ بکلمات الله التامات التی لا
یجاوزهن بر ولا فاجر ومن
شر ما ذرء ومن شر ما
برء ومن شر من

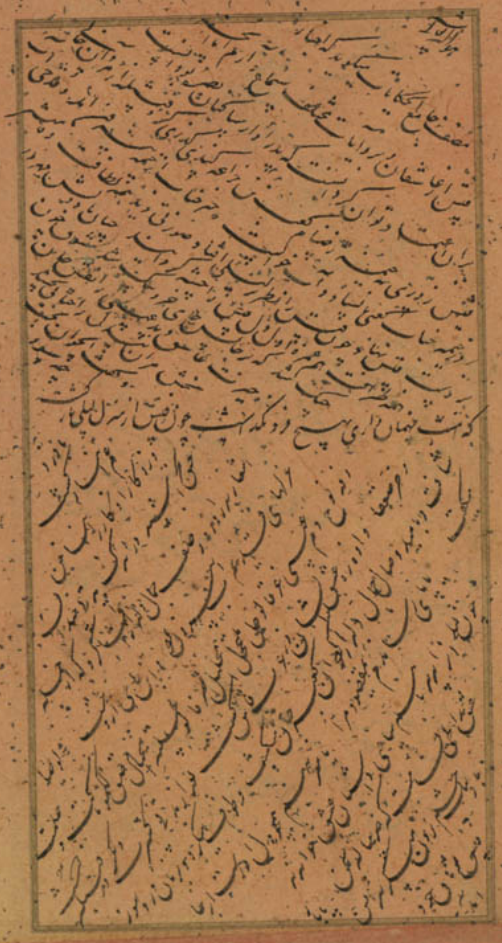

بالارض تصبح كالامال
بالفلك امن بالكريم بذي سكم

ام هبت الريح من تلقاء كا
ظمة وبحكمة كل الامور وا

وبحكمة كل الامور والاشيا
وفي المنافي لبنا في الكور الاجن